

چه بسا اگر آنها **مجاهدین خلق** را به **خدمت خمینی** می پذیرفتند و یا آنها را به حکومت خود راه می دادند و یا **صلاحیت** رجوی را برای انتخابات ریاست جمهوری رد نمی کردند، اکنون فرقه مجاهدین خلق ایران در مسیر دیگری حرکت می کرد، مسعود و مریم هم یکی دیگر از جلادان حکومت اسلامی بودند.

نکته جالب این است که علیرغم این همه مواضع متضاد و رنگارنگ، رجوی خود را از هر عیب مبری می داند و این گونه زیگزاگ زدن را فقط برای دیگران عیب می شمارد. او در مصاحبه با نشریه شماره ۱۰۸ مجاهد چنین می گوید :



« مجاهدین که حزب جمهوری نیستند که یک روز وقتی به کسی احتیاج داشتند او را در موضع دولت امام زمان مورد تمجید قرار بدهند و هر کسی را هم که به انقلابی نبودن این دولت اعتراض کند، فی الفور زندیق و منافق بدانند ولی بعد که رفع احتیاج شد برای از دور خارج کردن این فرد هر بد و بیراهی را نثارش کند. »

نبرد با اهریمن

مجاهدین خلق برای مشروعیت دادن و سهم کردن خود در اداره مملکت به **بنی صدر** روی آوردند و او را با خود همراه کردند ... این واقعیت که برای سرنگونی حکومت اسلامی و به دست گرفتن حکومت اسلامی در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ بر روی آراء میلیونی **بنی صدر** سرمایه گذاری کردند، نشانگر بی اطلاعی آنان از **حمایت خمینی** از بنی صدر بود.

عمده آرای بنی صدر، ناشی از آن بود که وی خود را پیرو «**خط امام خمینی**» نشان داده بود. **مشروعیت بنی صدر** نیز همانند مشروعیت دولت **بازرگان**، تبعی و نامستقل بود زیرا در باور عمومی آن زمان، **خمینی تنها عنصر مشروعیت بخش حکومت به شمار می رفت**. پس از **اتحاد کامل با بنی صدر**، فرقه به وفور از امکانات **مالی، امنیتی، اطلاعاتی و سیاسی** ریاست جمهوری استفاده تشکیلاتی کرد.



فرقه مزبور تصور می کرد پس از یک انقلاب دیگر میلیونی، خواهد توانست از طریق جنگ چریکی شهری، حکومت را در دست گیرد.



در روز **۳۰ خرداد ۱۳۶۰** درگیری همه جانبه و مسلحانه **مجاهدین با حزب الله** صورت گرفت و مجاهدین شکست خوردند. بعد از **برکناری بنی صدر** از فرماندهی کل قوا توسط خمینی، **مجاهدین خلق** رسماً با صدور اطلاعیه ای از وی حمایت کردند و با تظاهرات پراکنده در بعضی نقاط کشور مقدمات شورش ۳۰ خرداد را آماده ساختند. در روز ۳۰ خرداد قرار بود در **مجلس اسلامی عدم کفایت سیاسی بنی صدر امضاء شود** و بنی صدر و مجاهدین این روز را **روز شورش علیه حکومت خمینی** اعلام نمودند.



عصر روز ۳۰ خرداد درگیری های وسیع و گسترده ای توسط دسته های مسلح فرقه مجاهدین خلق در سطح شهر تهران رخ داد و در بعضی از شهرستان ها نیز اقداماتی انجام شد و با صدور اطلاعیه سیاسی - نظامی فرقه مجاهدین خلق، از آن تاریخ این گروه رسماً وارد جنگ مسلحانه با حکومت اسلامی شد.

فرقه مجاهدین خلق، تأکید بر ایدئولوژی **مارکسیسم و اسلام راستین** (بنیادگرا) و سابقه مبارزاتی (**مزدوری**) خود را پیشتر نیز و انقلابی و جایگزین (**الترناتیو**) اصلی حکومت اسلامی می داند و با بودجه بین المللی که توسط **لردهای انگلیسی** به آنها می رسد این فرقه توانست با **حمایت تبلیغاتی و مالی استعمار بین**

المللی خود را به عنوان الترناتیو اصلی معرفی کند و اکنون نیز که پس از خیانت ها و **اشتباهات غیرقابل** گذشت این فرقه نسبت به ایران و ایرانی و حتی به **اعضای خود**، این فرقه **محکوم به نابودی است** و نه راه پیش دارد و نه راه پس.

بوجود آوردن **فرقه مجاهدین خلق توسط انگلیس و روسیه** و حمایت کنونی **عوامل آمریکایی** (انگلیسی) برای نابودی رژیم گذشته و استمرار حکومت اسلامی و به عنوان **ستون پنجم** در **اپوزیسیون** بوده است. با **نابودی حکومت اسلامی** مأموریت این **فرقه** نیز به پایان



خواهد رسید و مانند فرقه های دیگر تروریستی که تاریخ مصرف آن می گذرد (از جمله **سومکا، فدائیان اسلام، حزب توده** و ...) محکوم به نابودی است. نزدیکی و همکاری مجاهدین با **دکتر ابوالحسن بنی صدر** نیز با برنامه ریزی انگلیس انجام گرفت و می بینیم که فرار آن دو از ایران به قصد پاریس با لباس مبدل از فرودگاه توسط **بهزاد معزی** خلبان شاه (یکی از

عوامل انگلیس) بود که اکنون هم با حکومت اسلامی در ارتباط است.

نبرد با اهریمن

البته همانطور که می دانیم بعد از برکناری بنی صدر توسط خمینی از مقام ریاست جمهوری در ۲۱ ژوئن ۱۹۸۱ پیوندی مابین رجوی و بنی صدر صورت گرفته بود که این پیوند، با ازدواج فیروزه، دختر بنی صدر و مسعود رجوی، دو جانبه شد. در بدو ورود به پاریس تصمیم گرفته شد که اپوزیسیونی برای حکومت اسلامی به عنوان اپوزیسیون ستون پنجم بوجود آید و در نتیجه ایجاد شورای ملی مقاومت پیشنهاد شد.



در ابتدا شورای ملی مقاومت عبارت بود از بنی صدر، مسعود رجوی، قاسملو، هدایت متین دفتری (از فامیل های مصدق و فراماسون)، حزب کارگر (طوفان) و با جمعی از بازاریان تهران از حامیان اسرائیل. فرقه مجاهدین پس از آن با کمک قاسملو در نوار مرزی کردستان ایران محلی برای تمرینات

تروریستی و قرارگاه بوجود می آورند و تعدادی از افراد مجاهدین خلق نیز به آنجا فرستاده می شود که همزمان دولت عراق امنیت و حمایت آنها را تضمین می کند.

موضع گیری فرقه علیه آمریکا قبل از « فرار بزرگ » به پاریس

چکیده ای از مواضع مجاهدین خلق در مقطع زمانی از ۱۳ آبان ۱۳۵۸ تا ۳۰ خرداد ۱۳۶۰:

باتوجه به مقطع زمانی قبل از **فاجعه ۵۷** که مجاهدین خلق عملاً به کشتار مستشاران آمریکائی می پرداختند، پس از فاجعه ۵۷ فرقه مجاهدین خلق، بالاترین حجم مطالب بر علیه آمریکا را منتشر می کنند، که در انتشارات فرقه مجاهدین خلق مشاهده می شود. این موضعگیری ها یک روز پس از **اشغال سفارت آمریکا** و یا به تعبیر مجاهدین خلق « جاسوسخانه آمریکا » در تهران آغاز می شود.



حرکات مجاهدین خلق در خصوص اشغال سفارت آمریکا را می توان در ۲۴ دسته

تقسیم بندی نمود :

- ۱- تأیید این حرکت و تبریک آن به خمینی و خلق قهرمان ایران و شرکت در صحنه های تأیید این عمل.
- ۲- پافشاری بر قطع تمامی پیوندهای امپریالیستی و افشاء آنها و اظهار تأسف از عدم قطع آنها توسط جمهوری اسلامی .
- ۳- پافشاری بر افشاء اسامی مرتبطین و شبکه های جاسوسی سیا در ایران.



۴- تأکید بر مصادره کلیه سرمایه های مختلف امپریالیست ها در ایران.

۵- هشدار در خصوص خارج شدن این حرکت از مسیر اصلی خود.

۶- یادآوری دفاعیات و سخنان سران مجاهدین خلق در خصوص آمریکا.

۷- تشریح سوابق استعماری آمریکا.

۸ _ فشار به شورای انقلاب و مسئولین نظام جهت تسریع در برخورد با گروگان ها.



- ۹- تلاش عناصر مجاهد در شهرهای اصفهان و تبریز جهت اشغال کنسولگری های آمریکا در این دو شهر.
- ۱۰- اعلام آماده باش همه واحدهای میلیشیا.
- ۱۱- افشای برخی اسناد همکاری سیا و ساواک و قراردادهای مستشاری.
- ۱۲- یادآوری عملیات مجاهدین خلق بر علیه مستشاران آمریکائی در قبل از انقلاب.
- ۱۳- اعلام جرم مدران شهداء و زندانیان سیاسی مجاهد بر علیه آمریکا به دیوان بین المللی لاهه.
- ۱۴ _ حراست هسته های نظامی مجاهدین خلق از اطراف سفارت اشغال شده آمریکا.
- ۱۵ _ تأکید بر مزدوری شاه خائن برای امپریالیسم آمریکا.



- ۱۶- گلایه مندی از حکومت اسلامی به دلیل زیر سؤال بردن عملکرد ضد امپریالیستی مجاهدین خلق.
- ۱۷ _ حمله به سیاست حقوق بشری کارتر.
- ۱۸ _ همدست بودن آمریکا، اروپا و ژاپن (خط امپریالیست).
- ۱۹ _ دستگیری دانشجویان مجاهد در آمریکا و جلوگیری از پخش روزنامه مجاهد در آمریکا.
- ۲۰ _ بررسی علت حمله نظامی آمریکا به ایران.
- ۲۱ _ تهدید آمریکا به عملیات بر علیه منافع وی.
- ۲۲ _ نسبت دادن عملیات بمب گذاری در تهران به آمریکا.

۲۳ _ زیر سؤال بردن دستگیری یک جاسوس آمریکائی در تهران و اعتراض به حکم صادره

در خصوص وی .

۲۴ _ اعتراض به نحوه برخورد نظام با موضوع گروگانها .

شماره ۱۰ - دوشنبه ۲۱ آبان ماه ۱۳۵۸ -

قراردادهای اسارت بار را افشاکنید

اجتناب از همکاری با شرکتها، پس از قیام خود فقط مسئولین پیوسته آنها را افشا کنید. وقتی نگردد، مجال تا اتمام این قراردادها و لغو آنها را داشته باشید. وقتی مسئولین جدیدی تعیین می شود، آنها را هم مطلع کنید.

وزیر بازرگانی آمریکا به ایران می آید

وزیر بازرگانی آمریکا در ایران

وزیر و دسر مایه خارجی به ایران

مشکلی پیش نخواهد آورد

بعد از شاه نوبت آمریکا است

پس از افشای اسارت بارها و قراردادها، باید با شرکتها و افرادی که با آنها همکاری داشته اند، برخورد جدی داشت. این افراد را باید از همکاری با شرکتها منع کرد. اگر این افراد همکاری نکنند، باید با آنها برخورد جدی داشت. این افراد را باید از همکاری با شرکتها منع کرد. اگر این افراد همکاری نکنند، باید با آنها برخورد جدی داشت.

این گزارش دفتر نمایندگی اقتصادی ایران در واشنگتن:

انجام کارشناسان نظمی آمریکا به ایران

قرارداد اکتشاف ایران

دوران اکتشاف ایران

بزرگترین قرارداد کالین دیلارا

لیختند ریچارد هلمنز

ریس «سبی»

بانکدستر که ایران و آمریکا ناسس میشود شدند

دفاعی ایران همکاری میکند

در دوران اکتشاف ایران

بزرگترین قرارداد کالین دیلارا

لیختند ریچارد هلمنز

ریس «سبی»

بانکدستر که ایران و آمریکا ناسس میشود شدند

دفاعی ایران همکاری میکند

دوران اکتشاف ایران

بزرگترین قرارداد کالین دیلارا

لیختند ریچارد هلمنز

ریس «سبی»

بانکدستر که ایران و آمریکا ناسس میشود شدند

دفاعی ایران همکاری میکند

این عملکرد طیف متنوعی از **مواضع** را تشکیل می دهد که چکیده برخی از آنها را از نظر می گذرانیم. یک روز پس از اشغال سفارت، مجاهدین در نامه ای خطاب به خمینی اعلام کردند « جان های ناچیز خود را برکف گرفته و آمادگی نثار کردن آن با همه توانایی های ناچیزتر سیاسی و نظامی شان هستند و در همان روز از **عدم قطع پیوندهای امپریالیستی گلایه مندی نموده** و خواستار افشاء اسامی مزدوران سیا شدند و دور روز بعد حرکت صحیح در مسیر انقلاب را به شورای انقلاب تذکر داده و خواهان افشاء کلیه قراردادها و اسامی **مأمورین سیا** در ایران و مصادره سرمایه های امپریالیستی و قطع کامل روابط ایران با آمریکا شدند و در روز سوم گروگانگیری از کلیه جوانان انقلابی خواستند تا با حداکثر آمادگی و جانبازی از بذل جان نیز دریغ نورزند و در چهارمین روز حرکت پیشنهاد تبدیل لانه جاسوسی به **موزه جنایات آمریکا** را مطرح نمودند و در هفتمین روز این حرکت همگامی خود با **روزه ضد امپریالیستی** دانشجویان قهرمان را متذکر شده و شرط قبولی این روزه در پیشگاه خدا و خلق را صرفاً تحقق خواسته های ضد استعماری عنوان کردند.

شماره ۱۰ - دوشنبه ۲۱ آبان ماه ۱۳۵۸ - ویژه نامه مجاهدین



سفارت آمریکا با جاسوسخانه آمریکا

سفارت آمریکا لایحه جاسوسی علیه خلقهای منطقه

انقلابیون با چنین مضمون به شاه ارائه می‌دهد:

با جدا کردن مذهب از مبارزه امکان سرکوب مبارزین خواهد بود و در ادامه همین خطی بود که شاه ارسال ۵۵ تلافی مزدجویانه‌ای را جهت جدا کردن انقلابیون و اصولی نمودنشان کرد برای سرکوبی دنبال نمود. همان خطی که آمریکا در غربالگری می‌دارد از طریق عناصر مزدورشان ادامه دهد.

«سولویان» مهره معروف «سپا» پس از اتمام مأموریتش در لاگوس و فیلیپین»

برای سرکوب خلق ما به سفارت آمریکا در ایران اعزام می‌شود

به این ترتیب فعالیت دیپلماتیک این جاسوسکاران در کشورهای تحت سلطه چیزی نسبت به توطئه علیه خلقها و کتبه به حاکمیت بیشتر سر - سردگان جلادی چون شاه، ظلمت که در جریان سرکوبی انقلابیون و ستام محراب شده بود و در رأس سازمان سپا نقش خود را بحوسی ایفا کرده بود، خلاصیت خدمت را در سفارت آمریکا در ایران که در حال انفجار بود بانوجه به منطقه حساس خاورمیانه کسب کرد. پس از او سولویان مهره معروف سپا، که در لاگوس مستقماً در مسابقات جهانی مردم دفات داشت و در جنگ های آزاد محقق خلق فیلیپین شرکت

کشورهای زیر سلطه امپریالیسم داشت به تدریج بعنوان یک سازمان پلیسی جهانی ظاهر گردید. سازمان پلیسی علاوه بر فعالیت در داخل آمریکا به فعالیت گسترده‌ای در سطح جهانی دست زد و خود را در جبهات مختلف گسترش داد. توطئه‌ای از آن در اسناد بدست آمده در جاسوسخانه آمریکا در ایران بصورت تلافی در جهت نفوذ در سازمانها و ارگانهای انقلابی، اجرائی می‌باشد.

بانگامی گذرا به توطئه های امپریالیستی علیه خلقها و دولت‌های ملی متعصب تر میگردد که سفارتخانه این کشورها مرکز نقل و اسبابها و توطئهها بوده‌است.

معروف بود که فلاتی بجای دولت از سفارت انگلیس فرمان می‌گیرد

نقش سفارت روسیه تزاری در انقلاب مشروطه در جهت تحریک و تقویت مهره‌های وابسته به دربار محمد علی شاه جنایتکار علیه انقلابیون و توطئه‌هایی که در جهت سرکوب خلق مردم ایران سفارتخانه مرموزی می‌شد و توسط افرادی برجسته اجرا میگردد مثل روز روشن است. دستبازی که با

تخصیص سفارت آمریکا بتدریج علاوه بر تأثیر مهمی که در اوچتری تور مبارزاتی بردمان علیه امپریالیستها دارد، باید نقش اشتراکات عظمی ایفا کند که آن نشان دادن ماهیت ضد خلقی این اصلی ترین دشمن خلقها می‌باشد.

شروع افشای اسناد موجود در سفارت که بدست دانشجویان افشاده بود و تداوم آن میتواند در ارتقاء مبارزه مردم و شناخت هر چه بیشتر دشمن اصلی تأثیر نگذارد. افشای قرارداد های اجاره بار، افشای توطئه‌های سپا، افشای عناصر وابسته به این سازمان متواضع عینی بیشتری به مبارزات ما بر - بالیستی خلق مادران مرحله دهد، همانگونه که جناب شاه و افشای توطئه ها و اقدامات ضد خلقی او بوسیله رهبری انقلاب در مرحله مبارزه ضد دیکتاتوری اثرات مهمی در معن دادن به مبارزه داشت.

حال مردم با بستن با چشمهای باز، با سلاح آگاهی و قلبی پر کینه، به ادامه مبارزه میروانند.

درفشای اولین سری اسناد نقض این لایحه جاسوسی را هر چه شخصی کرد.

دوشنبه اولمرداد ماه ۱۳۵۸ دانشجویان چنین آمده:

... در بعضی از موارد خطوط مشخص سیاسی، نظامی، اطلاعاتی جاسوسی خانه آمریکا در ایران را نشان

در تاریخ ۲۱ / ۸ / ۵۸ از اینکه اینبار شاه اصلی (امپریالیسم آمریکا) هدف قرار گرفته اظهار خوشحالی شده و در پاسخ برخی کسانی که به ورود تمام عیار مجاهدین به صحنه و به ویژه اعلام آمادگی نظامی آنها در حمایت از خطوط ضد امپریالیستی خمینی ایراد گرفته بودند گفتند که ما به سیاست همچون سوداگری و تجارت نمی‌نگریم.

مجاهدین خلق گفتند که اگر به برخورد شکلی و فرمالیستی اکتفا شود این حرکت ضد آمریکایی از مسیر اصولی خود خارج خواهد شد و تأکید شد که مجاهدین در سال ۵۰ در بیدادگاه رژیم فریاد زدند **دشمن اصلی آمریکا است** و به دفاعیات مسعود رجوی در سال ۵۰ اشاره کردند که:

عامل بدبختی من و شما، بدبختی همه خلق، **امپریالیسم بین المللی است**. و هم او بود که در ۴ خرداد ۵۸ گفت: بنام همه مشت‌هایی که در این روزها بر علیه جهانخواران آمریکایی در سراسر کشور گره شد و **با درود بی پایان به امامی** که بار دیگر رمز وحدت یعنی همان کلمه مقدس وحدت را از طریق معرفی دشمن اصلی این خلق برای مردم خود بازگو کرد.

و در تشریح اینکه چگونه یک غول سر بر می‌دارد گفتند که اگر بگوئیم آمریکا کشوری است که بر اساس تجاوز و منهدم کردن اقوام دیگر شکل یافته، بیراه نگفته ایم. و **اقدام ضد امپریالیستی** کارکنان شرکت ملی حفاری نفت ایران را در ملی کردن سهام آمریکایی شرکتهای حفاری سدکو و سد ایران را در نهایت افتخار تهنیت گفتند.

مبارزه‌ترین وظایف دانش آموزان در جریان مبارزه ضد امپریالیستی - آمریکایی

و وحدت ضد امپریالیستی آنان در طول یکی دو هفته اخیر بسی چشمگیر و رو به افزایش بوده است. با توجه به این مسأله و در نظر گرفتن اینکه قشر وسیعی از این نیروها را برادران و خواهران دانش آموز تشکیل می‌دهند، سختی چند داریم با این عزیزان کسانیکه در این چند روز نیز به واقع نشان دادند که در ایفای نقش خود در سنگر مبارزه همچنان پایمرد و استوارند

اشغال لانه جاسوسی، بزرگداشت

واقعی ۱۳ آبان

خلق ما همزمان با گرامی‌داشت یکی از روزهای افتخارآمیز میهن خونبار مان - روز دانش آموز - روزی که شاهد بخون غلتیدن دهها خواهر و برادر رزمنده این آب و خاک بود، الگو و نمونه دیگری از شکوه و عظمت و افتخار و غرور را نیز خلق کرد. و بحق دانشجویان قهرمان در این روزیاسخکوی

باردیگر فریادهای کوبنده خلقمان بصدا درآمد، و همانطور که بارها و بارها نشان داده‌بود، این بار نیز ثابت کرد که مصمم است تا به هرگونه سلطه امپریالیستیهای جهانخوار و در رأس آن امریکای جنایتکار خاتمه دهد. ثابت کرد که فریب نیرنگهای به ظاهر انسانی دوستانه آمریکا این دشمن اصلی خلقها را نمیخورد. و دیدیم که چگونه با اشغال لانه جاسوسی آمریکا چه اقشار وسیعی از مردم بسیج شدند، تا حمایت، تأیید و همکاری خود را در مورد این جریان ضد امپریالیستی - آمریکائی نشان دهند. و یکبار دیگر نیز به تجربه ثابت شد که چگونه فقط و فقط حول محور مبارزه ضد امپریالیستی (در واقع حول مبارزه با دشمن اصلی همه اقشار خلق) است که توده‌های مردم و خلقها بسیج میشوند، به وحدت میرسند و بسیاری از تضادهای فرعی و

سال اول - شماره ۱۱ - دوشنبه ۲۸ آبان ماه ۱۳۵۸ - تکشماره ۱۵ ریال

دروغیان را هیمنانی روز جمعه:

توده‌ها، هرگونه سازش با امپریالیزم را محکوم کردند

توطئه‌های آمریکا خلق ما را در مبارزه با او مصمم تر ساخت

طی پیروزمندانه اولین مرحله، یعنی ساقط کردن دیکتاتوری شاه خائن اینک وارد فراز نوین و عالیتر ضد امپریا - لیستی شده که در حقیقت جوهر و مضمون کلیه مبارزات خونبار خلق ما در طی پنجاه سال سلطنت ننگین پهلوی بوده است.

امروز خلق ما مستقیماً در مقابل مسبب اصلی کلیه بدحسیها، رنجها، شکنجهها و زندانها، قاتل واقعی هزاران هزار شهید گلگون گفن به خون غمتاش و خلاصه در مقابل دشمن اصلی خونین یعنی امپریالیسم آمریکا فرار گرفته است. و می‌رود تا به پیام شهیداش گفته بودند "بعد از شاه نوبت آمریکاست" و به انتظار خون آنها که منتظر جوانند، پاسخ مثبت دهد. وجه خوب خلق قهرمان ما به بیروی از امام سازش ناپذیرش در طی این چند روزه نشان دادند که در این

بسرعت مورد اشغال عموم قرار گرفت. در خلال این ۵ روز، ما شاهد تظاهرات شانه زوری مردم در محکوم کردن امپریالیزم آمریکا و توطئه‌های جنایت آمیز آن بودیم. چه شبها که تظاهرات تا صبح ادامه داشت. این جریان باعث شد که خط مبارزه ضد امپریالیستی و ضرورت آن برای جلو گیری از تفرقه وحدانی کاملاً لمس شود و توده‌ها هرگونه سازش و تسلیم را در برابر استعمارگران محکوم نمایند. در آخرین روز، مردم ما پس از ادای نماز جمعه، به سمت جاسوسخانه آمریکا راه پیمائی کردند، و نفرت خود را از مواضع ضد خلقی آمریکای جنایتکار اعلام نمودند.

دانشجویان مستقر در جاسوسخانه آمریکا خواسته‌های خود را در زمینه‌های

مدنیال اشغال جاسوسخانه آمریکا در تهران، و کشف اسناد توطئه‌گرانه این امپریالیسم در ایران، موج حمایت توده‌های مردم از اقدام حیوانه دانشجویان خط امام هر روز بالاتر گرفت. و شور انقلابی و ضد امپریالیستی توده‌ها اوج پیدا کرد. بالاگرفتن این روحیه امپریالیزم آمریکا را محصور نمود که راههای جدیدی علیه خلق قهرمان ایران پیش گیرد. از جمله تهدید به دخالت نظامی و تحریم اقتصادی مردم ما!!!

این توطئه‌ها خلق ما را مصمم‌تر ساخت، تا بخاطر دفاع از تمامیت و استقلال و آزادی و شرف خود، و نیز برای دفاع از انقلاب رهائی بخش خویش بیاخیزند، و پاسخ قاطعی به جهانخواران به اصطلاح طرفدار حقوق

در تاریخ ۵۸/۸/۲۳ سؤال کردند که دلایل تاخیر در قطع رابطه با آمریکا و الغای قانونی و رسمی همه وابستگی ها و قراردادهای ننگین در چیست ؟ و سه روز بعد از آن از عدم قطع رابطه و الغای قراردادهای ننگین با آمریکا ابراز تاسف نمودند.

شماره ۱۱ - دوشنبه ۲۸ آبان ماه ۱۳۵۸ -

بقیه از صفحه ۷

چگونه یک غول سربرمیدارد (۲)

ویتنام چهره واقعی امپریالیسم درنده خوی آمریکا را آنچنان که هست به جهانیان نمایاند

میکنیم ، به آن امید که به شناخت ما - هیت امپریالیسم آمریکا آشنا شویم . آمریکا در این جنگ ظالمانه از انواع سلاحها و از همه نیروی عظیم تکنیکی خود بجز سلاحهای هسته ای استفاده کرد . نباید پنداشت که عدم استفاده از اسلحه اتمی به ملاحظات انسانی دولت آمریکا مربوط میشود ، امپریالیسم

میکردند . بطوریکه صدای آمریکا در سال ۱۹۶۳ اعتراف کرده ، نیروی هوائی آمریکا ، طی سال ۶۳ روی منا - طق روستائی خارج از این دهکده ها ۵۰ هزار حمله انجام داده است . قتل عامهای دهشتناکی نظیر یک نمونه دهکده " مای لای " گه افشا شد ، در همین رابطه و برای ازمیان برداشتن

در نشریه شماره ۱۱ خبر مجروح شدن ۲ تن از برادران مجاهد بدست عناصر راستگرا در حین تسخیر **لانه جاسوسی آمریکا** در اصفهان را مطرح نموده و از اینکه عناصر راستگرا همراه با تعدادی پاسدار با ضرب و شتم بسیار آنها را از آنجا بیرون کرده و سپس خود را بعنوان اشغال کنندگان کنسولگری معرفی نمودند.

مجاهدین خاق در جای دیگر نوشتند که **ویتنام چهره واقعی امپریالیسم درنده خوی آمریکا را آنچنان که هست به جهانیان نمایاند** و در تاریخ ۲ آذر ۵۸ فرمان آماده باش همه واحدهای انقلابی و سازماندهی میلیشیای مردمی (چریک نیمه وقت) صادر شد چرا که مبارزه امروز ما، یک مبارزه تمام عیار رهائی بخش و ضد امپریالیستی است.

قدرت نمایی و همبستگی خلق ایران در برابر بزرگترین قدرت

استعماری جهان



گزارشی از تظاهرات ضد امپریالیستی مردم فهیمان در برابر جاسوسخانه آتیکادراول محرم

بدنالد تصرف مفر سا در ایران، شور ضد امپریالیستی بمسائلی بدم را فراگرفت بطوریکه ما هر روز شاهدان دیگری این مبارزه ضد امپریالیستی خلقمان می باشیم.

خلق فهیمان ما، از همان آغاز تصرف لانه جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان پیروز خط امام، بخوبی دریافت که کتاکون دشمن اصلی او و عامل تهاجم ناپسندینهای اجتماعی-اقتصادی و سیاسی این مهن خوسرا امپریالیسم امریکاست.

بدین جهت بود که از همان روز اول حمایت بیدریغ و همه جانبه خویش را از این حرکت ضد امپریالیستی به اشکال مختلف از قبیل صدور بیانیه و انجام تظاهرات و راهپیمایی اعلام کرد. از تروز تا بحال کارگران، دانشجویان، دانشموزان و دیگران تارو کوهها پیاده رصفحه ۲

عظمت و پیچیدگی مبارزه ضد امپریالیستی

بطور ناگتیکتی دشمن را هر قدر هم کوچک باشد نباید حقیر
و بیچاره شمود چه رسد به بزرگترین قدرت ضد مردمی
تاریخ یعنی امپریالیسم آمریکا

مادر آغاز مرحله پیچیده ای از انقلاب خلقمان قرار گرفته ایم. مرحله ای که عاجل ترین برنامه آن قطع کلیه وابستگی های استعماری و فیصله دادن به نفوذ امپریالیست ها در ایران میباشد. عظمت و پیچیدگی مبارزه ضد امپریالیستی تا آنجاست که از یک طرف در گناره میدان آن خیل مدعیانی دیده میشوند که در پایان تلاشهایی خفت بار دست از مقاومت بسته و خوان گسترده قنارت و استعمار خلق خود را وجه المصلحه پذیرش نوکری و جاگری خود برای امپریالیسم امریکا قرار داده اند، و از طرف دیگر خلقها و رهبرانی را می بینیم که طی مقاومتی جانانه پشت امریکا، این بزرگترین قدرت ضد مردمی تاریخ را بخاک رسانده اند و خود به پشتوانه ای برای مبارزه خلقهای دیگر تبدیل گشته اند.

همین عظمت و پیچیدگی مبارزه ضد امپریالیستی امریکائی است که هر انسان انقلابی را به تنظیم در برابر خلق ویتنام ملزم میکند. حال با توجه به اهمیت و پیچیدگی شرایط مبارزه ضد امپریالیستی به بررسی قضایا می پردازیم. درجهبه خلق ما با ضعف مفرط نیروهای سازمان یافته مردمی مواجه هستیم مسائلی که در دوران خلقان آریامهری بر سازمانهای انقلابی گذشته است، جامعه ما را از وجود یک سازمان قدرتمند که در این مرحله بتواند مبارزه خلق را سازمان دهد محروم کرده است. در کنار این نقطه ضعف ما با خلق بسیج شده ای

در ۱۲ آذر ۵۸ مجاهدین باز هم در نهایت خلوص اعلام کردند که « در خطوط ضد انقلابی ضد امپریالیستی تا پای جان در کنار امام خمینی باقی خواهیم بود بنحوی که هیچ شبهه و نیرویی را توان آن نخواهد بود که در این مسیر ما را از سرگذاشتن به قدم امام باز دارد » و در ۲۰ آذر ۵۸ اراده ضد امپریالیستی کارکنان قهرمان **شرکت نفت لاوان** مبنی بر ملی کردن شرکت های وابسته و مصادره سرمایه های امپریالیستی آنها تهنیت گفتند.



گفته شد که ورود و حضور امپریالیست‌های آمریکائی در این میهن همیشه با خونریزی و کشتار همراه و عجین بوده است و علاج همه دردهای بی درمان امروز را در هرچه عمیق تر کردن **مبارزه ضد امپریالیستی آمریکائی نهفته** خواندند و ریشه کن کردن نفوذ آمریکا را عمده ترین داروی کنونی دردها تجویز کردند.

مجاهدین خلق در تاریخ ۲۶ آذر ۵۸ بیان کردند « برای پیروزی نهائی انقلاب رهائی بخش ضد امپریالیستی و اسلامی، شخص رهبری انقلاب امام خمینی را برای تصدی ریاست جمهوری نامزد می کنیم » و وقتی پس از اقدام « دانشجویان خط امام » بسیاری از کارها بر وفق مراد آنها ادامه یافت گویی آرزوی مسعود رجوی در تظاهرات ضد آمریکایی ۴ خرداد به تحقق پیوست و پیام مجاهد کشته شده **جلال هدشی** این بود که :

دوستان کاخ های ستم را به آتش می کشیم و ایران را جهنم امپریالیست های جهانخوار خواهیم کرد و از **موسی خیابانی** نقل شد که «اگر شما (امپریالیستها) قصد ماجرا جویی های نظامی در

خاک میهن ما را دارید ما با خشنودی تمام از شما استقبال خواهیم کرد ما در آن صورت یک جشن طولانی بر پا خواهیم کرد.»

مجاهدین خلق در بخشی دیگر اعلام می نمایند: «مواضع ضد امپریالیستی سازمان حداقل برای خود جنایتکاران آمریکائی جای هیچ شک و شبهه ای ندارد.» مجاهدین در جایی دیگر می گویند: «روزها و شبهای سرد و بارانی جلو سفارت با اجتماع هزاران نفر از اعضا و طرفداران مجاهدین در پرتو شعارهای گرم انقلابی و ضد امپریالیستی گرم و گرم تر می شد و احزاب تازه بدوران رسیده که مانند قارچ درست پس از رگبار تند بهاره انقلاب سربرآورده بودند در فضای مالمال از شور ضد امپریالیستی پزمرده شدند» مجاهدین، معرفی کاندیدای ریاست جمهوری (مسعود رجوی) را یک گام بزرگ در جهت شکل گیری جبهه واحد ضد امپریالیستی ارزیابی می کردند.

مجاهدین در جایی دیگر می گویند: «حرکت مردمی که امام خمینی راهبر و منادی عمق و اصالت آن بود امپریالیسم را به قربانی کردن عزیزترین و گرانقدرترین مزدور خویش که همان شاه خائن باشد ناگزیر ساخت و هرگونه مذاکره و سازش با آمریکا به اعتقاد مجاهدین در زمره گناهان کبیره خوانده شد. پیام کارتر به امام ماهیت سیاست حقوق بشر کارتر را برملا ساخت و خط آمریکا و خط اروپا و ژاپن یعنی خط امپریالیستها یک خط است.

شماره ۱۵ - دوشنبه ۲۶ آذرماه ۱۳۵۸ - صفحه ۱۰

معرفی کتاب

چهار پیام تاریخی "امام"

شجاعت و صراحت دو مشخصه بارز امام خمینی است. امام در تمام طول زندگانش، در تمام فراز و نشیبهای مبارزات سیاسی این و حتی در تمام برخوردهای خصوصی و فردیش تاکنون این دوخصلت اصیل را دارا بوده است. بیاد میآوریم در سالهای ۴۰ تنها امام خمینی بود که با قاطعیت و صراحت تمام در مقابل رژیم منحوس سلطنتی موضع گرفت. بیاد میآوریم که چگونه شجاعت‌های امام در نظر عافیت جوان سازشکار به تدریج و در نظرنگرفتن شرایط تعبیر میشد، و بیاد میآوریم که پیام‌های شورانگیز امام در خلال مبارزات ضد دیکتاتوری یکی دو سال گذشته چه وحشتی برای رژیم و محافظه‌کارانی که بیشتر دلشان برای رژیم میسوخت تا مردم، ایجاد کرد. امام بارها در فرازهای حماس تاریخ سیاسی معاصر کشورمان با یک رهنمود یا پیام، فصل جدیدی را برای مبارزه خلقمان گشوده‌است. و اکنون، در این برهه زمانی با گشایشی جدید روبرو هستیم. اشغال حاسون‌خانه آمریکا و متعاقب آن پیام امام خمینی،

در واقع آغاز مرحله جدیدیست که بنظر ما باید با استقبال صادقانه کلیه عناصر آگاه و سازمانهای انقلابی و مترقی روبرو گردد. سازمان مجاهدین خلق اخیراً "چهار پیام مهم و تاریخی امام" را در مجموعه‌ای گردآوری و چاپ کرده‌است. این پیامها بترتیب عبارتند از: سخنان امام خمینی خطاب به نماینده ویژه باب در قم، پیام به خواهران و برادران کرد، سخنان امام خطاب به پاسداران در قم، پیام به شورای امنیت فرمایشی. در تمامی این مجموعه علاوه بر صراحت و شجاعت همیشگی امام برخورد متواضعانه و صادقانه ایشان به نحو چشمگیری جلب نظر میکند. در پیام خطاب به خواهران و برادران کرد آمده است: "خواهران و برادران هم میهن در سراسر کشور. من دست خود را به پیش شما دراز میکنم و از شما به خاطر خدا و اسلام و کشور عاجزانه میخواهم که تمام توان خود را برای نجات کشورتان بکار برید. و اسلحه‌های سرد و گرم، یعنی قلم و بیان و مسلسل را از نشانه‌گیری به روی یکدیگر منحرف و به سوی دشمن‌های انسانیت که در رأس آن امریکا است نشانه روید...". جادازد که کلیه هموطنان مبارز با هر طرز تفکر و اندیشه‌های بارها و بارها این کلمات قاطع، مملو از احساس مسئولیت و متواضعانه را بخوانند و با چنگ زدن به آنها راه رهایی خلق مستعبدمان را هموار کنند.

میلیشیا خود را آماده می سازد تا گور وسیع و بزرگی را برای آمریکا تدارک ببیند و مجاهدین خلق با اعتقادی راسخ تر از همیشه نهایت آمادگی خود را برای هر گونه همکاری در خطوط ضد امپریالیستی اعلام می نماید. تهاجم نظامی چهره واقعی آمریکا است و حمله نظامی کارتر که خوشبختانه عقیم ماند تمام پايه های کارتر و تمام ادعاهای حقوق بشرش را عریان ساخت. انفجار و ترور ادامه مأموریت ایدای داخلی آمریکا در ایران است.»

و در نشریه شماره ۱۸ در « سخنی با برادران پاسدار ۲ » مجاهدین خلق سؤال می کنند « در شرایط خفقان و دیکتاتوری رگبار مسلسل چه کسانی سینه مزدوران و مستشاران آمریکا را می شکافت ؟ »



در همین نشریه شماره ۱۸ مجاهدین خلق اعتراف به کشتار مستشاران آمریکائی می نماید و می نویسد: « آنها (آمریکائی ها) از اولین سال های عملیات مسلحانه سازمان (سال ۵۱ به بعد) با آتش مسلسلهای مجاهدین خلق که سینه مستشاران و مزدورانشان را می شکافت روبرو بوده اند. »



نبرد با اهریمن

در همین شماره آمده است: «مردم در تظاهرات باشکوهی توطئه‌های امپریالیزم آمریکا را محکوم کردند.» تیتز گزارش است که در نشریه شماره ۱۸ مجاهد به تاریخ ۱۸ دی ماه ۱۳۵۸ درج شده است. در ذیل این تیتز نوشته شده: «راهپیمائی مردم به سمت جاسوسخانه آمریکا، نشان‌دهنده شناخت آنها از دشمن اصلی خلقمان می باشد.»

سال اول - شماره ۱۸ - سه شنبه ۱۸ دیماه ۱۳۵۸ - تک شماره ۱۵ ریال

مردم در تظاهرات باشکوهی توطئه‌های امپریالیزم آمریکا را محکوم کردند.

راهپیمائی مردم به سمت جاسوسخانه آمریکا، نشان‌دهنده شناخت آنها از دشمن اصلی خلقمان می باشد.

بنیادین تخییر مرکز جاسوسی آمریکا و اوچگری شور ضد امپریالیستی خلق، انقلاب ما علیه رژیم خواست مرنجین و سازشکاران کهمیشه سعی دارند با تویل به شیوه‌های مختلف آن را از مسیر اصلی منحرف کنند. در خط صحیح و اصولی خود قرار گرفت و دیگر مردم دشمن اصلی و عامل تمامی توطئه‌های گوناگونی را که هر روز در این زمین، با آن روبرو هستند بازتافتند.

افشاگریهای دانشجویان پیرو خط امام نیز در رابطه با عناصر سازشکار و وابسته تاخیر بین بزائی در تداوم این مبارزه داشتند. میزان نقش این افشاگریها را ما بخوبی میتوانیم از موضعگیری های نیروهای سازشکار و ارتجاعی، در برابر افشاگریهای

بنابر این طبیعی است که امپریالیسم دیگر ساکت ننشسته و توطئه کند.

زیرا او هرگز دوست ندارد که عناصر و پایگاههای داخلی اش برای مردم افشا شوند.

حوادث اخیر ایران و بویژه حملات مداوم و سیستماتیک عناصر و نیروهای ارتجاعی بر علیه نیروها و بقعه در صفحه ۸



جالب اینجاست که تمامی مواضع فوق پس از ۳۰ خرداد ۶۰ به یکباره رنگ می بازد. علی ایحال مشروح مواضع گفته شده را با استناد به انتشارات مجاهدین ذیلأ با هم مرور می نماییم.

ما هم از همه گروه‌ها خواستند از اختلاف و نفاق و کارشکنی دست بردارند.

ما هم خمینی: بر ملت شریف ایران است که در هر مسأله و با هر گروهی هستند از اختلاف و نفاق و کارشکنی برای یکدیگر دست بردارند و دشمنان را با وحدت گلیمه و اعتصام به حبل الله در هم کوبند.

گزارشی از مراسم سالگرد نظام جمهوری اسلامی مردم بار دیگر بردشمنی با آمریکا به عنوان دشمن اصلی خلق، تاکید کردند.

با فرارسیدن دوازدهم استقرار نظام جمهوری اسلامی در محلی نظام جمهوری اسلامی استوار که سالان فراز پرست و نیروی بن‌بانه حدود یکسال است که از سپهران میگذرد. در حال گذشته می‌دانند.

چهره جدید امپریالیزم وقتی که تفرقه‌ها را من زده می شود کارتر هم صلح طلب و زاهد می گردد.

برسوه و این در تراضی است که قرار تفرقه‌گشایی و جنگ افروزی که طرفهای امپریالیستی استوار ایجاد یک سیاست تابع و سرافراز ایجاد نگاه از طرف مردم روزگار آمریکا به ننگی بجهت و برضیح در امپریالیستی است و لعل می‌ماندای مانده است. به نحوی که

مردم مبارز و مدافع با تدبیر خاطر فرمانان دشمن خود را خنجم انقلاب کردند که با تحلی نظام جدید جمهوری اسلامی دیگر زجرهای آمریکای امپریالیستی و زجرهای اشتداد، استعمار و استثمار که سالان فراز پرست و بقعه در صفحه ۸



نگاهی به اخبار و رویدادهای دنیا

پیام کارتر به امام ماهیت "سیاست حقوق بشر" کارتر را برهلا ساخت.

بر کسی پوشیده نیست که آمریکا به مقتضای ماهیت و برکت و جوهر خود همیشه در رابطه با خلقهای تحت سلطه به طور عام و در مورد خلق ما به طور خاص بوضعی خصمانه و تهاجمی داشته است. بویژه این ماهیت خصمانه را خلق ما در جریان قیام شکوهمند خود به روشنی مشاهده کرد. و دید که چگونه آمریکا با ارسال سلاح و مستشار و حمایت بی دریغ از رژیم شاه خائن تا آخرین لحظات حیات رژیم مغرور پهلوی در کنار او ماند و از او پشتیبانی کرد. و تازه بعد از انقلاب هم توطئه‌های او به شیوه‌های نوین علیه انقلاب ایران ادامه یافت. زمانی هم که از توطئه‌های تهاجمی و خصمانه خود طرفی نیست ناچاراً به ملامت متوسل شد.

در واقع این بار با چهره کرک صفتهای خود ظاهر شده، بلکه همان کرک در لباس مثنی ظاهر گردید تا بدینوسیله به اهداف خود دست یابد. این چهره جدید کارتر را در پیام او به امام بخوبی می‌توان دید، که به خوبی ماهیت حقوق بشر را و عملکرد آن را نشان میدهد. راستی چرا کارتر چنین بیامی را داد، برای روشن شدن قضیه به مقالهای ردیابی سیاست امپریالیسم که در همین شماره نشریه درج گردیده مراجعه فرمائید. ما در اینجا فقط به بعضی از موضعگیریهای خصمانه آمریکا علیه انقلاب ایران به نقل از بعضی از خبرگزاریها می‌پردازیم.

کم بهادادن و نادیده گرفتن دشمن اصلی (آمریکا) بزرگترین خیانت به انقلاب

امام خمینی:

گویندگان و روشنفکران و متفکران و دانشگاهیان و دانشمندان همه، توان خود را صرف قطع امید دشمن اصلی ما آمریکا کنند که با سلطه دشمن قدرتمند برای هیچ یک چیزی باقی نخواهد ماند

سال اول - شماره ۳۱ - پنجشنبه ۱۴ فروردین ۱۳۵۹ - شماره ۱۰ رباع

- در صفحات دیگر
- اعلامیه محسن حقوق
 - حمله به ک
 - انتشارات تهران
 - در شهرستانها چه
 - نگاهی به اخبار و رو
 - گزارشی از دستگیر
 - هوادار مجاهد
 - گزارش مختصری از ح



سال اول - شماره ۳۱ - پنجشنبه ۱۴ فروردین ۱۳۵۹ - شماره ۵ رباع

"رابطه بین یک ملت بیاخته برای رهایی خود از چنگال چپا و لگران بین المللی یا یک چپا و لگرا عالم خوار، همیشه به ضرر ملت مظلوم و به نفع چپا و لگراست"

پیام اخیر امام خمینی

امپریالیسم با همه نیروهایش در برابر اعدای خلقها، بیبرکای غذایی است.



مبارزه ضد امپریالیستی از حرف تا عمل

پیروزمندی و تعمیق یک مبارزه واقعی ضد امپریالیستی مستلزم وحدت همه طبقات و نیروهای خلق است... به عنوان مثال شما نمی‌توانید با گردستان در جنگ باشید و در عین حال به یک مبارزه عمیق ضد امپریالیستی نیز اهتمام ورزید.

نشریه مجاهدین خلق ایران

درصحات دیگر

- واقعات خالی!
- دروزارت کشور چه می گذرد؟
- ما را توبیخ کنید!
- درشرستانها چه می گذرد؟
- گاهی به اخبار رویداد های دنیا
- اخبار کاری و روستائی

نشریه مجاهدین خلق ایران

پیام امام خمینی
بعد از قطع رابطه شیطان بزرگ با ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

۱۱ فروردین ۵۱

ملت شریف ایران خبر قطع رابطه بین آمریکا و ایران را دریافت کرد. اگر کارتر در هر خود یک کار کرده باشد که بتوان گفت به خیر و صلاح مظلوم است، همین قطع رابطه است، رابطه ای که ملت بیچاره برای رهایی خود از چنگال چارلتران بین المللی با یک چارلتر عالم - غیرمردمخدا

سال اول - شماره ۲۶ - چهارشنبه ۲۰ فروردین ۱۳۵۱ - شماره ۵ ریال

برای آمریکا ویتنامی دیگر بسازیم

خبرگزاریها: کارتر در نخستین آمریکا داده نخواهد بود. وزارت امور خارجه آمریکا اعلام کرده است که دولت کارتر قصد دارد روابط دیپلماتیک با ایران را قطع کند. این اقدامات صریح است ولی اگر این اقدامات صحر به آزادی گروگانها شود اقدامات دیگری ممکن است صورت گیرد. کارتر این تصمیم را به نمایان ایرانی که در آمریکا حضور داشته اند اطلاع داده است. کارتر این تصمیم را به نمایان ایرانی که در آمریکا حضور داشته اند اطلاع داده است. کارتر این تصمیم را به نمایان ایرانی که در آمریکا حضور داشته اند اطلاع داده است.

ارز این کشور خارج نهند. آموخته‌های سابقه‌های جنگ (قطع روابط دیپلماتیک با ایران و کارتر) وی از تصمیمات اخیر کارتر (توضیح داد: لازم به یادآوری است که بلافاصله بعد از افشای آن هوزر چند روز بیشتر از پیام پیام کتبی، حاصل سازگار و به اصلاح توهمانی کارتر ارتجاعی می کردند اینطور وانمود می‌کردند که خود جناب کارتر مظلوم کنند که گویا آمریکا رانقا به عجز و

نشریه مجاهدین خلق ایران

و به خدا سوگند که اجتماع و وحدت عمل (دشمنان) بر مواضع باطلشان در بر بر تفرقه و اختلاف شما بر حقوق (خدا) میریالیستی (تان، دل را می میراند و ندهد و بهر می انگیزد.

(علی علیه السلام)

نشریه مجاهدین خلق ایران

تیریک سازمان جوانان مجاهد به خلق قهرمان ایران

به مناسبت

توطئه‌ی نا فرجام آمریکا برای ریودن گروگانها

سال اول - شماره ۵۱ - دوشنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۵۱ - شماره ۵ ریال

چرا آمریکا دست به تهاجم نظامی زد؟

تجاوزات نظامی و سیاسی آمریکا را آید بدتر خواهد ساخت.

دوست و نااهل بود که در سالهای دهه چهل بیست و یکم در ایران (تجاهد نظامی) در جریان مبارزه با رژیم پهلوی، اقدامات آمریکا می‌شود. کارتر در این زمینه به تهاجم نظامی در ایران می‌شود. کارتر در این زمینه به تهاجم نظامی در ایران می‌شود. کارتر در این زمینه به تهاجم نظامی در ایران می‌شود.

سال اول - شماره ۵۱ - دوشنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۵۱ - شماره ۵ ریال

اطلاعیه مجاهدین خلق به مناسبت شهادت برادر پاسدار "محمد منتظر قائم"

بسم الله

لا یرقبون فی مومن الا ولادهم و اولادکم لهم المعتمدون

(تقریباً) امریالیستها) هرگز هیچکس عهد و پیمان و رابطه ای با مومن (انسانها) نماند و یاری کند از آنها حتی کفرین و امریالیستها باشند) تعددکننده و جاویدگرددند.

سوره ایه ۱۰

نشریه مجاهدین خلق ایران

به اطلاع قهرمانان ایران مجاهدین خلق ایران شهادت برادر پاسدار محمد منتظر قائم را که در جریان توطئه نظامی نا فرجام آمریکا علیه ایران، موروثی، به خانواده و امام خمینی و برادران پاسدار شهادت و شهنشه می‌گردد. انظار به ایران ثابت گردید که تلفد مردمخدا

اطلاعه سیاسی - نظامی شماره ۲۴

مجاهدین خلق ایران ضمن دعوت همه احزاب، سازمانها و نیروهای مردمی به هماهنگی و وحدت عمل ضد امپریالیستی، کلیدی تیم های نظامی و چریک های نیمه وقت (میلیتاریا) خود در سر امر کشور را بر علیه امپریالیسم آمریکا به تبعیت از برادران پاسدار موظف می سازند.

سال اول - شماره ۵۱ - دوشنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۵۱ - شماره ۵ ریال

شماره ۳۷ - پنجشنبه ۲۷ فروردین ۱۳۵۹ - شماره ۳۷

نگاهی بدخبر و رویدادهای دنیا

تشکیل ارتش مردمی : یگانه راه مبارزه خلق با امپریالیسم

انقلاب خونین خلق ما ، می رود تا بار دیگر در مسیر اصیل ضد امپریالیستی خویش تداوم یابد . برای رویارویی با امپریالیسم - تا دندان مسلح ، ساده نباید برخورد کرد . چرا که امپریالیسم برای حفاظت از منافع خویش دست به هر گونه توطئه ای می زند ، دامن زدن به تضادهای داخلی ، صدور توبه نامه ، به حرکت آوردن ماشینهای جنگی خود ، و . . . که در هر حال سیاست ضد انقلابی خود را دنبال می کند ، و لزوماً " برای مبارزه با آن باید از انواع گوناگون شیوه های انقلابی آشنایی داشت .
باشد تا درس بزرگتری از آن چه الجزایر و ویتنام به امپریالیسم دادند به او بدهیم .

شماره ۳۳ - دوشنبه ۱۸ فروردین ۱۳۵۹ - شماره ۳۳

نگاهی بدخبر و رویدادهای دنیا

"استشمام بوی تفرقه" و "سوء استفاده ی امپریالیستها"

امپریالیسم در عصر ما ، با جمع بندی مبارزات ضد امپریالیستی خلق ها به این مسأله پی برده ، که تا صفوف خلق های در حال مبارزه ، از انسجام و وحدتی استوار برخوردار است ، نمی تواند بر آنها غلبه نماید . لذا با پی بردن به این ویژگی ، همیشه در صدد آن است تا با استفاده از (یاد خود) از عملکرد جناح های داخلی و دامن زدن به مسائلی از قبیل تفرقه های قومی ، ملیتها ، . . . و درگیری های گروهی (ضمن لوذ کردن مسأله ملیتها ، . . .) آنهان مردم را از مبارزه با این سد بزرگ زمان منحرف ساخته و از این طریق زمینه های لازم برای مصالحه را فراهم آورد .
در رابطه با ایران ، پیام گارتر ، دقیقاً حاوی این مطلبه است و می بینیم که وی علیرغم سابقه ذهنی مردم از جنایات بی شمار امپریالیسم و ایادی سرسپرده اش ، در ویتنام ، فلسطین ، . . . و بالاخره در ایران و همزمان با اوج گیری درگیری های داخلی ، از دشمن مشترک ایران و آمریکا دم می زند !!

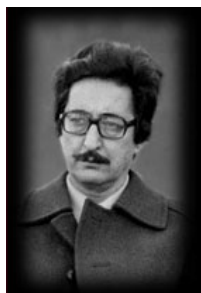
۱- واشنگتن پست/ ۲۱ مارس ۵۹) سندج: بنا به اظهار
(۵۹/۱/۱) چمران در پاسخ به سخنگویان گروه های سیاسی سندج

تشکیل شورای ملی مقاومت

در سال ۱۹۸۱ مسعود رجوی و بنی صدر پس از رسیدن به پاریس تصمیم می گیرند که مجموعه ای از افراد و گروه های مخالف و نزدیک به افکار خود (اسلامی و مارکسیست) را البته با توصیه لردهای انگلیسی ها گرد هم آورند و تشکیلاتی را به نام شورای ملی مقاومت پایه گذاری کنند و برای بازگشت به ایران و تصاحب قدرت فعالیت کنند.



این گروه ها و افراد، معمولاً عناصر انقلابی بودند که در پیروزی فاجعه ۵۷ نقش داشتند و به قول خودشان، اهل امامه حاکمیت را از آنها ربوده و سر آنها بی کلاه مانده بود ولی در اصل چنین نبود. استعمار برای بقای حکومت اسلامی نیاز به یک اپوزیسیون ضد مردمی و تندرو و غیر دمکراتیک داشت تا بتواند حکومت ابلهانه اسلامی ضد ایرانی را استمرار دهد و در کنار آن ثروت و سرمایه های ایران را چپاول کند. البته همه گروه ها و افراد که در ، ابتدا وارد شورا شدند همگی قانون اساسی ضد بشری و ضد ایرانی حکومت اسلامی را قبول داشتند ولی می خواستند که خود آنها مسئولان اول کشور شوند.



دستور کار این بود که شورا به قدرت برسد و مابین خود قدرت را تقسیم کنند. افراد و گروه هایی که به اصطلاح شورا را بوجود آوردند مانند دکتر ابوالحسن بنی صدر، مسعود رجوی حزب دمکرات کردستان (دکتر قاسملو) و عده ای از شخصیت های مصدقی مذهبی مانند هدایت الله متین دفتری، بازاریان حامی اسرائیل و ... بودند. البته اختلافات تاکتیکی و داخلی به زودی مشکل رهبری در شورا را پیش می آورد و شورا مقاومت به اصطلاح ملی از روزی که دکتر بنی صدر در ۲۴ مارس ۸۳ جدا می شود و

بعد در ۱۴ آوریل حزب دمکرات کردستان جدا می شود و تعدادی از شخصیت های سوسیالیستی- مذهبی مصدقی هم در آن سال جدا می شوند و مسعود رجوی می ماند و حوضش. در ۹ ژانویه ۱۹۸۳ **طارق عزیز** نخست وزیر عراق با مسعود رجوی در محل اقامت او در حوالی پاریس ملاقات می کند و با پیشنهاد کمک مالی، در ازای خرابکاری در ارتش و جاسوسی و دادن اطلاعات نظامی ارتش ایران، پیوندی ناگسستنی مابین این دو صورت می گیرد. دکتر بنی صدر با این پیوند مخالفت می کند و در ۲۴ مارس همان سال از مسعود رجوی جدا می شود.



The first formal pact between the MKO and Iraq

ولی مسعود همواره اسم شورای ملی مقاومت را نگه می دارد، چرا که می بیند مردم از نام فرقه مجاهدین خلق متنفرند و تعدادی از مجاهدین را به نام افراد منفرد وارد شورا می کند. مسعود رجوی در ژوئیه ۱۹۸۴ به علت عشق به **مریم قجر عضدانلو (ابریشم چی)** که یک دختر هم داشت **فیروزه بنی صدر** را طلاق می دهد. به هر حال بعد از جنایت ها و خیانت های مجاهدین بر مردم ایران و کردهای عراقی و حتی بر اعضای خود، در **دوم مه سال ۲۰۰۲** اتحادیه اروپا، مجاهدین را **در لیست تروریست ها** قرار می دهد و آمریکا نیز در ۱۵ اوت ۲۰۰۳ این فرقه را به لیست تروریست های بین المللی می افزاید. ولی به دلیل سرویس دادن این فرقه در روند استعمار جهانی و سرکوب کردن کردهای عراقی و نابود کردن اپوزیسیون راستین ایرانی برای براندازی، همواره این فرقه **توسط انگلیس (خانه لردها)**، پارلمان اروپا، فرانسه و آمریکا **حمایت مالی و معنوی** می شود و از طرفی این فرقه نیز نقش خود را برای **استمرار حکومت احشام** در ایران به خوبی ایفا می کند. طبق گزارش های رسیده از منابع سازمان پارس



و شورای براندازی در ایران: مجاهدین خلق بازوی نامرعی استمرار حکومت اسلامی می باشند و خدمات ارزنده ای برای به قدرت رسیدن **رفسنجانی** انجام داده اند و طبق اسناد و مدارکی که توسط این منابع بر ملا خواهد شد،

رفسنجانی برای حذف عواملی که سر راه به قدرت رسیدن او بودند از فرقه مجاهدین خلق استفاده می کند. در ۷ تیرماه ۱۳۶۱ **انفجار محل حزب جمهوری اسلامی** که مجاهدین به گردن گرفتند، **رفسنجانی** و **عسگراولادی** ۵ دقیقه قبل از حادثه از محل خارج می شوند و ۷۲ تن به قتل می رسند. در ۹ شهریور **ترور رجایی** رئیس جمهور و **باهنر** نخست وزیر توسط فرقه برای به قدرت رسیدن رفسنجانی هماهنگ می شود.



البته نباید فراموش کرد که **رفسنجانی** همراه با **مسعود رجوی** و تعدادی دیگر از سران حکومت اسلامی و همچنین **رضا پهلوی** و **فرح دیبا** و مشاوران آنها همگی در **لژهای فراماسونری جهانی** وابسته به انگلیس عضویت دارند. بارها جلسات این لژ با حضور عوامل جمهوری اسلامی، مجاهدین خلق و سلطنت طلبان پهلوی چی در پاریس تشکیل گردیده است و اینان در واقع **مثلث نابودی ملت ایران** هستند.

فرقه مجاهدین خلق (ماکسیست های مذهبی) با مشاورت **لردهای انگلیس** توانایی عجیبی در نوسان و تغییر شیوه های خود دارند و برای اغفال مردم از هیچ نیرنگی رویگردان نیستند. چرخش های گوناگون در مواضع و عملکرد و همچنین باورهای پایه ای این فرقه نشان می دهد که تا چه حد خطرناک هستند و در منفعت طلبی و به قدرت رسیدن از هیچ خیانت و جنایتی رویگردان نیستند. این فرقه تنها تشکیلات به اصطلاح اپوزیسیون است که با خشونت با اعضای خود برخورد کرده است و با به کار بردن شیوه های پیچیده **شستشوی مغزی** و همچنین **زندانی، شکنجه و اعدام اعضاء** خود که فقط نمی خواستند در مسیر قدرت طلبی و حاکمیت طلبی رهبران فرقه، در خیانت و جنایت آنها شریک باشند، گوی سبقت را از **پولیوت** و **استالین** بردند.

اعلام انقلاب ایدئولوژیک

اعلام انقلاب ایدئولوژیک برای توجیه ازدواج مریم ابریشم چی و مسعود رجوی بود. در ۸ فوریه ۱۹۸۲ در یک درگیری مسلحانه، **موسی خیابانی** و همسر **مسعود رجوی** (**اشرف ربیعی**) که در ایران بودند کشته می شوند.



اشرف ربیعی



موسی خیابانی

مریم ابریشم چی همراه شوهرش **مهدی** و دخترش به پاریس می آیند. البته نام خانوادگی مریم «**قجر عضدانلو**» از فامیل قاجار است که تمام اعقاب آنها از مزدوران انگلیس می باشند و برای همین است که خانۀ لردهای انگلیسی، مانند یک طفل معصوم از مجاهدین خلق حمایت می کند.



مهدی ابریشم چی

مریم ابریشم چی

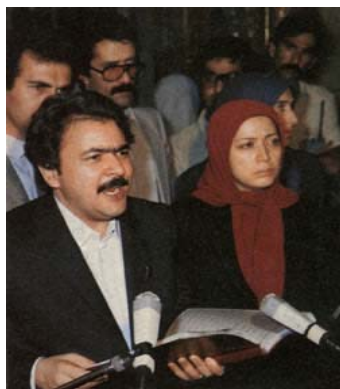
مریم ابتدا به عنوان کمک به **فیروزه** (همسر مسعود رجوی) در کارهای منزل وارد کار می شود و با او نیز در ظاهر دوست می شود ولی در باطن قصد و برنامه ریزی دیگری داشت. مریم رفته رفته خود را به مسعود نزدیک می کند و به گونه ای عمل می کند تا مسعود را به خود علاقمند کند و با رفتارش به

مسعود می فهماند که تنها اوست که می تواند در کنار مسعود، او را در رسیدن به هدفش موفق گرداند. مریم پس از مدتی مسئول مرتب کردن دفتر مسعود می شود و رفته رفته با آشنایی بیشتر آنها، مریم **منشی مخصوص مسعود** می شود. او به زودی با محبت ها و اطاعت بی چون و چرا نسبت به مسعود به صورت یک فدایی به تمام معنا در می آید. **فیروزه** شخصیت مستقل و همواره صاحب نظر بود و بیشتر هم عقیده پدرش **دکتر بنی صدر** بود به همین دلیل مریم

نبرد با اهریمن

توانست از ضعف شخصیتی و خودبزرگ بینی مسعود استفاده کند، چرا که عدم موافقت با افکار مسعود باعث عصبانی شدن و متوحش شدن او می‌گردید.

در اینجا که مریم خود را چون برده و بنده ای در اختیار مسعود قرار داده بود و همواره با او موافقت می‌کرد و مابین مسعود و مریم در این زمان هیچ بحث و موردی وجود نداشت و رفته رفته علاقه مسعود به مریم افزایش می‌یافت در نتیجه **مریم ابریشم چی** بزودی فیروزه را کنار زده و برای رسیدن به قدرت ما بین آنها اختلاف می‌اندازد و بیشتر اوقات خود را با مسعود در دفتر او می‌گذراند و حتی بسیاری از شب‌ها نه مسعود و نه مریم به خانه خودشان نمی‌روند و مشکلات خانوادگی روز به روز اوج می‌گیرد. در این زمان مریم به عنوان **منشی مخصوص** همیشه با مسعود بود و با او در دفتر تقریباً زندگی می‌کرد و به ندرت به منزل می‌رفتند. مریم در این زمان از شوهر و فرزندش دور افتاده بود و کمتر به دیدار آنها می‌رفت و عذر او این بود که **مبارزه مهم تر از خانواده است**، البته شاید هم راست می‌گفت مبارزه ای که او برای رسیدن به مقاصدش آغاز کرده بود مهم تر از شوهر و بچه اش بود و او با ادامه این مبارزه توانست رهبریت مجاهدین خلق را از چنگال مسعود رجوی بیرون آورد و مسئولیت خرج کردن میلیون‌ها دلار درآمد این فرقه را به دست بگیرد.



مریم به دلیل اینکه بسیار فرصت طلب و قدرت

طلب بوده و هست، تنها راه رسیدن به مقام « **زن شماره**

یک مجاهدین » را نزدیکی و در نتیجه هم خوابگی با

مسعود می‌بیند و برای همین بود که شوهر و بچه خود

را فراموش می‌کند و مسعود را انتخاب می‌کند و با

برنامه ریزی فیروزه را نیز کنار می‌زند. در اثر افزایش

اختلافات خانوادگی مسعود و فیروزه و همچنین مریم و

همسرش، مسعود و فیروزه در ژوئیه ۱۹۸۴ پس از کمتر

از دو سال ازدواج طلاق می‌گیرند و همچنین **مریم**

ابریشم چی نیز از همسرش طلاق می‌گیرد. برای اینکه **روابط ناسالم مسعود و مریم** را موجه

نشان دهند و این بی‌آبرویی را به خورد اعضای ناآگاه خود بدهند، با همیاری برنامه ریزان

انگلیس **پروژه انقلاب ایدئولوژیک** را اختراع می‌کنند.

در جراید مجاهد گفته شد که جدا شدن مسعود و فیروزه به علت اختلاف ایدئولوژیک

مابین بنی صدر و مسعود بوده است، در صورتی که عشقی که بین مسعود و مریم در آن زمان

بوجود آمده بود (و اکنون وجود ندارد) باعث این بی‌آبرویی انقلابی شد. در این زمان نیز **مهدی**

ابریشم چی از مریم طلاق می‌گیرد، البته برای اینکه مسعود با مهدی مشکلی پیدا نکند مسعود

خواهر ۱۷ ساله موسی خیابانی (مینا) را به مهدی ابریشم چی می دهد و در عوض زن او مریم ۳۳ ساله را مطالبه می کند. البته در این نقل و انتقال مهدی برنده شد و مسعود باخت و از این زمان شاهد سقوط شخصیتی و روانی او می باشیم.

در ۱۴ آوریل ۱۹۸۵ تحت پوشش انقلاب ایدئولوژیک یا اندیشه ای و در اصل نام انقلاب بی فرهنگی در فرقه مارکسیست های اسلامی روی می دهد. مسعود رجوی با مریم عضدانلو ازدواج انقلابی می کند. این سؤال پیش می آید که اعضاء کنونی فرقه مجاهدین خلق چگونه می توانند زنی را که به همسر و فرزندش خیانت کرده و برای به قدرت رسیدن، آنها را فدای جاه طلبی هایش نموده به عنوان رهبر بپذیرند؟

جشن عروسی مریم و مسعود در ۲۰ ژوئن ۱۹۸۶ با شکوه هر چه بیشتر برگزار شد و بیش از ۳۰۰ هزار فرانک خرج شد. مراسم ازدواج به عهده **شهرزاد صدر حاج سید جوادی** دختر حاج سید جوادی (داستان هویدا) وزیر دادگستری بنی صدر صورت گرفت. در جشن عروسی **پرویز یعقوبی** و همسرش (خواهر اشرف ربیعی، خواهر زن قبلی مسعود)، **پوران بازرگان، تراب حق شناس** که از اعضای اصلی و کمیته مرکزی بودند مراسم را ترک می کنند ولی دیگران از جمله **منوچهر هزار خانی، هدایت متین دفتری** (نوه دختری مصدق)، **شیخ جلال گنجی، ناصر پاکدامن** و **حاج خلیل رضایی** با قبول این پیوند و شرکت در مراسم، کمیته مرکزی را تشکیل می دهند.

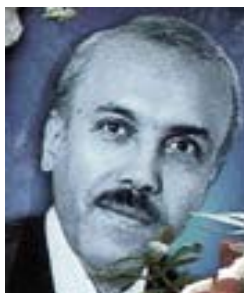


ناصر پاکدامن پوران بازرگان منوچهر هزارخانی هدایت متین دفتری

در این مراسم ۷۰۰ نفر دعوت بودند که اکثراً کمونیست ها و عده ای از اعضای مجاهدین خلق و تعدادی نیز فرانسوی بودند. عقد با مهریه قرآن، ستاره سرخ، آینه شمعدان، یک شاخه زیتون و یک دفترچه از اسامی کشته شدگان در درگیری های مختلف از زمان شاه تا خمینی صورت گرفت. در این زمان نفر دوم فرقه و جانشین مسعود رجوی به نام **علی زرکش** به مخالفت با این انقلاب مسخره ایدئولوژیک به پا می خیزد ولی توسط مسعود و مریم از فرقه اخراج شده به عراق فرستاده می شود و در آنجا زندانی و تحت نظر قرار می گیرد و بعد هم به قتل می رسد.



زرکش



به گفته **ابراهیم ذاکری** - (که در سال ۲۰۰۳ پس تحمل بیماری لاعلاج از جمع قبیله خارج شد و با مرگ خویش نام خود را در زمره یک « مجاهد خوب ! » ثبت نمود که اگر می ماند و مسئله دار می شد ، آنوقت به این سعادت نمی رسید و نامش در جرگه نفوذیهای رژیم رقم می خورد!) - مسئول سرویس اطلاعاتی مسعود رجوی و جانشین او در کردستان عراق، بعد از به قتل رسیدن زرکش پست او را به مریم می دهند. **پرویز یعقوبی** نیز به دلیل مخالفت با رجوی بر می خیزد که او نیز اخراج می شود (۱۳۶۴) و مسعود شروع به آزار و شکنجه مخالفان این ازدواج می کند و تعدادی از آنها نیز کشته و ناپدید می گردند.



مسعود خدابنده که در اواخر سال ۱۹۷۰ وارد فرقه مجاهدین خلق شده و اکنون از آنها جدا شده است و در انگیس زندگی می کند می گوید:

« بعد از فرار مسعود رجوی و بنی صدر از ایران در سال ۱۹۸۱، تصمیم گرفته شد که یک ایستگاه رادیویی از اروپا

خریداری شود و به ایران آورده شود. من به آلمان رفتم و در آنجا همراه با **سعید شاهسوندی** یک فرستنده ۳۸۰ کیلو وات خریداری کردیم و گفتیم که آنها را برای مجاهدین افغان که با روسیه می جنگند می خواهیم.

ما فرستنده را پس از تحویل و نقل و انتقالات مختلف به سردشت در کردستان ایران آوردیم. در آن زمان PDKI حزب دمکرات کردستان با ما همکاری داشت. در نتیجه ما هم به نفع حزب کردستان و هم به نفع مجاهدین خلق برنامه پخش می کردیم. در سال ۱۹۸۳ من به پاریس فراخوانده شدم و محافظ و مراقب **فیروزه بنی صدر** که در آن زمان همسر مسعود رجوی بود، شدم. همزمان و هر روز من می بایست یک گزارش از ملاقات ها و گفتگوهای او با اشخاص مختلف به مریم ابریشم چی که در آن زمان منشی مخصوص مسعود رجوی بود، می دادم.

مریم بسیار باهوش، قدرت طلب و فرصت طلب بود. او رفته رفته به مسعود فهماند که تنها اوست که مسعود را درک می کند و خودش را روز به روز به او نزدیک تر و علاقمند تر نشان می داد و مسعود هم در خلأ خود بزرگ بینی بود و مریم می توانست این خلأ شخصیتی او را پر کند. «

آقایان **ابراهیم خدابنده** و **جمیل بصام** نیز در تلاطم های پس از فروپاشی رژیم صدام و در حین انتقال میلیون ها دلار پول نقد و جواهرات از عراق به فرانسه بودند، توسط پلیس سوریه بازداشت و سپس تحویل رژیم ایران شدند و بدین شکل از گردونه فرقه رجوی ها خارج گردیدند.

ارتش خصوصی صدام

در اوایل سال ۱۳۶۵ و در اوج دوران آشفتگی های سیاسی - استراتژیک سازمان، دست غیبی به یاری **مسعود رجوی آمد**، دولت **ژاک شیراک**، رجوی را به دلیل عدم توجه به قوانین داخلی و امنیتی کشور فرانسه از این کشور اخراج کرد. شورای ملی مقاومت در نشست ۲۳ اردیبهشت ماه ۶۵ خود طی بیانیه ای اعلام کرد که « برای خنثی کردن توطئه های دشمن از یک سو و پاسخ گویی به الزام های مرحله جدید تدارک قیام از سوی دیگر، محل اقامت آقای مسعود رجوی مسئول شورا از **اروپا** به کشور **عراق** منتقل می شود. شورای مقاومت این انتقال را برای گسترش و سازماندهی نیروهای مسلح انقلاب نزدیک، امری لازم و آخرین گام برای ورود به خاک میهن می داند ... ».



پس از ورود مسعود رجوی به **بغداد**، در همه امور سازمان تغییراتی ایجاد شد. این تغییرات در شیوه سازماندهی نیروها و جنگ برای سرنگون کردن حکومت اسلامی در نظر گرفته شده بود.

در همین راستا، شیوه جنگ ها که پیش از آن پارتیزانی در کردستان و جنگ چریک شهری در شهرهای ایران بود، به شکل جنگ های گردانی در مناطق مرزی با ارتش و سپاه پاسداران سازماندهی شد.

ضمن اینکه این دوران مصادف بود با شدت گرفتن جنگ هشت ساله بین ایران و عراق.



نبرد با اهریمن

با آغاز عملیات گردانی که تکامل جنگ های چریکی و پارتیزانی نامگذاری شد، استراتژی جنگ آزادیبخش در آذرماه ۱۳۶۵ پا گرفت.

در این راستا چون این استراتژی در نهایت به سود طرف عراقی تمام می شد، سیل آموزش های نظامی، کمک های مادی، تسلیحاتی، پشتیبانی، لجستیکی، اطلاعاتی و سلاح های عراق به سمت فرقه مجاهدین خلق سرازیر شد.

هادی شمس حائری عضو سابق شورای مرکزی فرقه که خود تا سال ۱۳۷۰ در عراق با تشکیلات همکاری می کرد، درباره حضور **مسعود رجوی** در عراق و تغییر استراتژی سازمان چنین نوشته است:

« در سال ۱۳۶۵ به دلیل پاره ای مسائل که بر ما معلوم نیست، و آن طور که مجاهدین می گویند در یک **معامله پنهانی بین فرانسه و رژیم جمهوری اسلامی**، رجوی از فرانسه اخراج و به عراق عزیمت می کند. رجوی در درون روابط ادعا کرد که از مدت ها قبل قصد داشت که به عراق بیاید. (رجوی چند روز پس از ورودش به عراق از محل اقامتش در بغداد طی یک مکالمه تلفنی به نگارنده گفت که من مدت ها پیش می خواستم به عراق بیایم اما شرایط اجازه نمی داد) اما در روابط بیرونی چنین وانمود می کرد که دولت فرانسه در اثر زد و بندهای امپریالیستی و توطئه چریک های فدائی خلق، او را اخراج نموده و ناگزیر شد به عراق بیاید.



با آمدن رجوی به عراق که از روی ناچاری و اجبار بود، بار دیگر ماشین تحلیل فرقه به کار افتاد و طی نشست های متعدد این پرواز را پرواز تاریخ ساز !!! و نقطه عطف پر خیر و برکت برای « مقاومت » ایران برآورد کردند و گفتند « با آمدن رهبری به عراق ما اکنون در فاز سرنگونی (جمهوری اسلامی) قرار گرفته ایم ... » پس از چند ماه گفتند که « سازمان به این نتیجه رسیده که **جنگ چریک شهری** و فرماندهی از پشت خط تلفن، راست روی بوده و

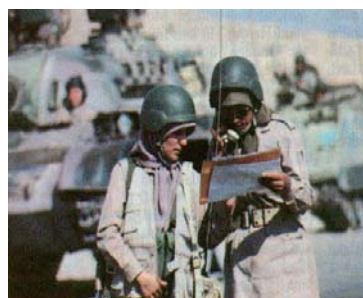
جوابگوی به میدان کشیدن عنصر اجتماعی و سرنگونی نیست و به منزله عبور از سوراخ سوزن است و حالت میکرو دارد ...

با آمدن « برادر » به عراق اوضاع دگرگون شده و ما در آستانه حاکمیت قرار گرفته ایم و لذا **عملیات نظامی** هم باید متناسب با این مرحله، یعنی ماکرو باشد. از طرف دیگر ما تا به حال از فرصت جنگ ایران و عراق، آنچنان که باید و شاید استفاده نکرده ایم و به آن بهای کافی نداده ایم. در صورتی که چنین موهبتی در کنار ما وجود دارد و ما می توانیم **جنگ جبهه ای** را با رژیم شروع کنیم ... « در اثبات و درستی خط تشکیل ارتش و اندر مزایا و برکات و تردید ناپذیری آن، چنان با شور و شوق و خوش باوری سخن می گفتند که گویا این آدم های آنها نبودند که در مورد خط و خطوط قبلی هم با همین اصرار و پافشاری، آنها را درست ترین می خواندند. پژوهشگر نظامی « **آنتونی کوردزمن** » تجزیه و تحلیل دیگری را ارائه داد : « نتیجه نهایی اقدام فرانسه، در هر حال، دادن امکان دسترسی بسیار بیشتر رجوی به تسلیحات، امکانات آموزش در نزدیکی مرز و منابع مالی بیشتر بود. »



در تاریخ ۲۹ خرداد ۱۳۶۶، یک سال پس از استقرار کامل تشکیلات فرقه در عراق، پیام رجوی در آستانه ۳۰ خرداد مبنی بر اعلام تأسیس « **ارتش آزادیبخش ملی** » منتشر شد. بعدها روز ۳۰ خرداد به عنوان زمان تأسیس ارتش خصوصی صدام تثبیت شد و فرقه با پیوند دادن این موضوع به آغاز شورش مسلحانه علنی فرقه در سال ۶۰ تأکید داشت که استراتژی جدید در ادامه همان استراتژی ۳۰ خرداد ۶۰ شکل گرفته است.

با اعلام تشکیل ارتش آزادیبخش که با تبلیغات زیاد و اغراق آمیز در رسانه های گروهی منطقه و غرب مطرح شد، فرقه با کمک ارتش عراق، کمیت و کیفیت عملیات خود را شدت بخشید. **شمس حائری** که خود در آن زمان در داخل تشکیلات و به عنوان عضو شورای مرکزی از نزدیک ناظر وقایع بوده است، می نویسد: « **ارتش آزادیبخش** آخرین استراتژی از نوع



مسلحانه بود که به گل نشسته بود. تعداد نفرات این ارتش هرگز از دو هزار نفر (جز در مقطع عملیات **فروغ جاویدان** که از تمامی اروپا و آمریکا نیرو بسیج کرده بودند و عده زیادی اسرای جنگی را نیز (با تهدید و تمطیع) در آن وارد نمودند و رقم نفرات را به پنج هزار و پانصد نفر رساندند)، تجاوز نکردند. سربازان **مسعود** و **مریم** (اصلاحاتی که به رزمندگان داده بودند) طی چند

نبرد با اهریمن

عملیات توانستند ضرباتی به حکومت اسلامی بزنند و تعدادی از پاسداران و سربازان ایرانی را به اسارت بگیرند.

در تمامی این عملیات، دیده بانی و توپخانه ارتش عراق به کمک ارتش آزادیبخش می آمدند و آنها تعیین می کردند که از کدام نقطه باید حمله شود و اساساً بدون **حمایت عراق** عملیات غیر ممکن بود. این حملات از خاک دشمن و در بحبوحه جنگ ایران و عراق قبل از اینکه نتایج و دستاوردهای مثبت سیاسی داشته باشد، تأثیر منفی روی مردم گذاشت و به ضد خود تبدیل شد، و به علت نامشروع بودن نتوانست نیروهای نظامی و مردم ایران را به سوی خود جلب کند. این حملات اگرچه پیروزی های مقطعی و ناچیز نظامی در بر داشت، اما بهره های تبلیغاتی و سیاسی آن **به جیب رژیم جمهوری اسلامی** ریخته می شد.

آنچه که به نام ارتش آزادیبخش فرقه، در عرصه تبلیغات ارائه می شد، در واقع چیزی نبود جز **بخشی از ارتش عراق**، با این تفاوت که نفرات آن دارای ملیت عراقی نبودند و به زبان فارسی سخن می گفتند ولی در کنار نیروهای صدام **علیه کشور سابق خود** می جنگیدند. در طول جنگ هشت ساله، به دلایل مختلفی از جمله تحولات استراتژی و تاکتیک دو کشور و نوسانات وضعیت سیاسی و نظامی، مناطقی از خاک ایران و عراق مدتی توسط دیگری تصرف می شد و دست به دست می گشت.

عراق که در سال ۱۳۵۹ با ۱۲ لشکر به ایران حمله کرده بود، در سال ۱۳۶۶، ۵۰ لشکر مجهز و آموزش دیده به مصاف نیروهای حکومت اسلامی ایران آورد که ارتش کوچک فرقه در دل این مجموعه بزرگ وظیفه مشارکت در برخی عملیات ایذایی و صدمه زدن به واحدهای کوچک پراکنده نظامی ایران در مناطق مرزی را بر عهده داشت و چون نیروهای فرقه با پوشیدن لباس شبیه نیروهای ایرانی و سخن گفتن به زبان فارسی می توانستند **عملیات فریب** را در موارد زیادی اجرا کنند و **تخلیه اطلاعاتی سریع اسرا** را به انجام برسانند، به یگان ویژه ای با توانایی ها و کارکردهای اختصاصی در ارتش عراق، تبدیل شدند.

در مناطق جنوبی «بیشترین تلاش فرقه در خطوط پدافندی ارتش ایران و با هدف گرفتن اسیر و تخلیه اطلاعاتی آنجا انجام می شد» ارتش عراق برای بهره برداریهای اطلاعاتی و جنگ روانی، در بعضی حملات پراکنده، نیروهای مجاهدین خلق را به کار می گرفت و گاه گروه هایی از آنها را در برخی مناطق متصرفی خود مستقر می کرد و تعدادی از ضربات معمول و متداول دوران جنگ را **به نام سازمان ثبت می نمودند**. در مواردی هم نیروهای فرقه در عملیات ایذایی علیه واحدهای کوچک و پراکنده مناطق جنگی، خود به تنهایی اقدام می کردند، که در این موارد هم پشتیبانی لازم اطلاعاتی و لجستیکی ارتش عراق کماکان وجود داشت. در چند روز مورد بخشی از **غنائم جنگی متصرفی** ارتش عراق و **اسرای ایرانی** در اختیار فرقه قرار

می‌گرفت تا در تبلیغات رسانه‌ای، به نمایش گذاشته شوند و برای ارتش آزادیبخش فرقه هویت و عظمت و ابهت فراهم سازند.



در تبلیغات فرقه مانند سایر موارد، تصویر به شدت اغراق شده و خلاف واقعی از عملیات نظامی ارتش آزادیبخش ارائه می‌گردید که بر اساس آن، این ارتش کوچک توانسته بود ده‌ها هزار تن از نیروهای مسلح ایرانی را کشته و هزاران تن را اسیر کند!

شروع همکاری مسعود و صدام



زمانی که شورای مقاومت ملی با همراهی حزب دمکرات کردستان بوجود می آید، به دلیل روابط صمیمانه **قاسملو** با عراق، روابط **مسعود** با عراق نیز بسیار حسنه می شود. بعد از ملاقات مسعود و **طارق عزیز** در پاریس، مسعود مستقیماً بدون واسطه قاسملو با **صدام** وارد مذاکره شد و در سال ۱۹۸۳ او یک **قرارداد صلح و همکاری** با صدام امضاء می کند. در این زمان مجاهدین خلق با همکاری حزب دمکرات کردستان و حمایت صدام یک **قرارگاه نظامی** در نوار مرزی داخل کردستان ایران احداث می کند و گوش به فرمان صدام با اجازه او فعالیت نظامی خود را به نفع مقاصد صدام شروع می کند.



پس از دو سال عملیات، حکومت اسلامی آنها را کنار می زند و مجاهدین خلق مجبور می شوند به **کردستان عراق** فرار کنند و در آنجا صدام قرارگاه های مختلفی در اختیار آنها می گذارد. مجاهدین خلق پس از امضای قرارداد بین مسعود و صدام، به صورت **منابع اطلاعاتی و عملیاتی و ارتش غیر رسمی** **صدام** در می آیند و برای انجام عملیات بیشتر در سال ۱۹۸۶، رجوی مرکز عملیات فرقه مجاهدین خلق را به داخل عراق منتقل می کند و در ژوئن ۱۹۸۷ با کمک ارتش صدام، ارتش رهایی بخش مسعود و مریم بوجود می آید و **مریم فرمانده کل** **قوا** می شود.

به گفته مسئولان فرقه، ارتش پنج هزار نفری داشتند که با آن قصد کنار زدن حکومت اسلامی و بدست گرفتن حکومت را داشتند. نباید فراموش کرد که مسعود رجوی و مریم با حکومت اسلامی و قانون اساسی آن هیچ تضادی ندارند و فقط به جای **خامنه ای**، **مسعود رجوی** و به جای **احمدی نژاد**، **مریم** در ایران حاکم شوند، البته اگر مردم ایران اجازه دهند. دیدیم که **صدام** با ارتش ۳۰۰ هزار نفری خود حریف ارتش ایران که بعد از انقلاب نیز صدمات زیادی دیده بود، نشد. چگونه این ارتش کوچک که مسئولان آن می دانستند که از حمایت حتی یک درصد از مردم ایران بهره مند نیستند، می توانست حکومت اسلامی را کنار بزند.

البته برای مزدوران، اجرای فرامین اربابان خارجی مهم است بدون در نظر گرفتن واقعیت های آشکار. فرقه مجاهدین خلق که بازپچه دست **سیاستگزاران بین المللی** و در صدر آن **انگلیس** می باشند، می بایست در سناریوی از پیش نوشته آنها نقش خود را ایفا کنند و در روند اپوزیسیون سازی ستون پنجم برای استمرار حکومت اسلامی که آن نیز دست نشاندۀ استعمارگران است همراه با سلطنت طلب های پهلوی چی فعال باشند.

تعدادی از عملیات نظامی ارتش صدام

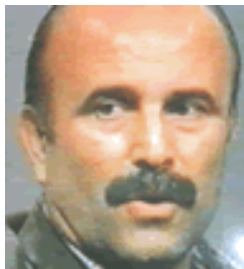
به همراهی ارتش مریم رجوی

پس از ورود **رجوی** به عراق (خرداد ۱۳۶۵)، نیروهای نظامی فرقه که از سال ۱۳۶۱ به تدریج در **کردستان عراق** مستقر شده بودند و پس از فراخوانی اعضای فرقه، از داخل ایران، ترکیه و پاکستان و دادن آموزش نظامی به آنها در قرارگاه ها، سلسله عملیاتی را در طول نوار مرزی ایران با حمایت و پشتیبانی ارتش عراق علیه ارتش ایران در مناطقی مانند سردشت، دهلران، میوان، سرپل ذهاب، جنوب باوند و ارتفاعات کرمانشاه به انجام رساندند. پس از اعلام تشکیل ارتش آزادیبخش در ۳۰ خرداد ۱۳۶۶ و کمک های بیشتر نظامی و مالی صدام، حملات چریکی به مرزهای ایران جای خود را به رویارویی منظم با ارتش ایران داد از جمله عملیات مهم:

۱- عملیات چهل چراغ:

به دستور **صدام** و با حمایت ارتش او، **فرقه مجاهدین خلق** (مارکسیست های اسلامی بنیادگرا) در **ژوئن ۱۹۸۸** به عنوان عملیات **چهل چراغ**، پیشروی خود را به طرف مرز ایران شروع می کند. مریم و مسعود به سربازان فریب خورده، نوید پیروزی را می دهند و اعلام می دارند که تا تهران خواهیم رفت. با حمایت ارتش عراق فرقه فقط می تواند وارد شهر **مهران** شود و پس از چند روز مقاومت مجبور به عقب نشینی می شود و به قرارگاه خود در عراق باز می گردد. در این پیشروی نیروی هوایی صدام، مهران و منطقه اطراف آن را بمباران می کند و توپخانه صدام راه را برای ارتش مریم و مسعود باز می کند.

عملیات چهل چراغ به گفته **صمد نظری** یکی از اعضای مرکزی جدا شده از فرقه مجاهدین خلق:



در **ژوئن ۱۹۸۸** در آستانه آتش بس بین صدام و ایران، مسعود دید که تمام برنامه هایش بدون حمایت و کمک ارتش عراق به ثمر نخواهد رسید. او تصمیم می گیرد که آخرین حملات خود را به ارتش ایران انجام دهد. مسعود با صدام هماهنگی کرد که ارتش عراق به جنوب نزدیک **اهواز** حمله کند و مجاهدین خلق از طرف **مهران**، یعنی از مرز شمالی تر وارد ایران شوند.

مسعود در «خیال خام» که مردم ایران از وی و ارتش او حمایت می کنند بود، ولی نمی دانست که در میان حتی یک درصد مردم ایران هم جای ندارد. مسعود فکر می کرد که مردم ایران پس از هشت سال جنگ از او حمایت خواهند کرد. دفتر من (صمد نظری) در قرارگاه اشرف درست پهلوی دفتر مسعود رجوی بود. زمانی که صدام با او ملاقات کرد و از دفتر او خارج شد، مسعود رجوی بسیار راضی به نظر می رسید، بعد از یک هفته ارتش صدام به ما اسلحه های زیادی تحویل داد از جمله تعداد زیادی زره پوش، کاسکاول و ...

ما هم اکثر اعضاء را از اروپا فراخواندیم. مسعود و مریم از افرادی برای جنگیدن استفاده کردند که تعدادی از آنها هرگز دست به اسلحه نبرده بودند و ما مجبور بودیم حداقل استفاده از تفنگ را به آنها یاد بدهیم. ما در ۱۸ ژوئن از مرز گذشتیم و با حمایت توپخانه و ارتش عراق وارد مهران شدیم ولی پس از سه روز مجبور به عقب نشینی شدیم و به قرارگاه بازگشتیم.



البته مسعود رجوی دستور داده بود که برای اینکه پیشروی با سرعت انجام شود زندانی جنگی گرفته نشود و دستور اکید داده بود که **همه دستگیر شدگان اهم از پاسدار و سرباز ساده را اعدام کنید**. من با چشمان خود دیدم که چگونه **افشین ابراهیمی** ده ها نفر از اسرای جنگی ایرانی را تیرباران کرد. افشین اهل کرمانشاه بود و مسئول تعلیم دادن تروریست و آدم کش برای فرقه بود و مقر او در قرارگاه سلیمانیه بود.

۲- عملیات فروغ جاویدان ۲۵ ژوئیه ۱۹۸۸

در ۲۵ ژوئیه پس از آنکه تعداد زیادتری از افراد فرقه از اروپا وارد عراق شدند **مسعود** قصد حمله آخر را به ایران می نماید.

در این زمان **صدام حسین** پس از شکست های مداوم در حمله به ایران، تقاضای آتش بس می نماید. **خمینی** مزدور هم که پس از دادن نزدیک به دو میلیون کلید بهشت به فرزندان